

متن پرسش

سلام علیکم حضرت استاد بنده از سال ۸۸ بعد از اتمام دوره کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی با آثار حضرتعالی آشنا شدم. از آشتی با خدا و ده نکته شروع کردم و بسیاری دیگر از آثار مکتوب را خوانده و درسهای متعددی از جمله تمامی درسهای معاد، نقد مدرنیته و گزینش تکنولوژی و جنود عقل و جهل را طی سه سال گوش دادم و برخی را با دوستان مباحثه کردم. همچنین برخی از آثار شهید مطهری، علامه طباطبایی و چند جلد تفسیر تسنیم را گوش داده‌ام. (این توضیحات صرفاً برای تبیین موقعیت است تا ضعف‌ها و کاستی‌های مطالعاتم را گوشزد بفرمایید.) از سال گذشته در دانشگاه مشغول به تدریس دروس معارف (اندیشه اسلامی) شدم و متوجه شدم خطر مادی شدن دین و شبه قدسی شدن دینداری جدی است. این نوع نگرش آنچنان عمیق در افکار جوانان - که آبشخور فکری‌شان همه چیز هست جز منابع اصیل اسلامی - عمیق شده که گاهی از تصحیح و تغییر آن حتی در جمع معدود دانشجویان خودم نا امید می‌شوم. گاهی احساس می‌کنم شاید وظیفه من اصلاً تدریس نیست، شاید این روش اصلاً نتیجه نمی‌دهد. با توجه به اینکه من خانم هستم و وظیفه تامین اقتصادی خانواده را ندارم؛ نگاه من به تدریس منبع درآمد نیست واقعا احساس وظیفه می‌کنم چون هم چند سال را به طور کامل به مطالعه و مباحثه گذراندم و هم به لطف الهی توان خوبی در برقراری ارتباط با دانشجو، انتقال مطلب و پاسخگویی دارم. لطفاً بنده را راهنمایی بفرمایید که به همین تدریس ادامه دهم یا راههای تاثیر گذارتری وجود دارد. بنده از هیچ تلاشی دریغ ندارم چون میدانم اگر من دین خدا را یاری نکنم خداوند دیگرانی را جایگزین میکند. میخواهم به مفیدترین روش یاور دین خدا باشم. از توجه و راهنمایی حضرتعالی پیشاپیش سپاسگزارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری اگر به‌طور مشخص کسی هست که شما جای او را گرفته‌اید و او بهتر از شما می‌تواند معارف الهی را به گوش دانشجویان برساند، باید جای خود را به او بدهید. ولی اگر این‌طور نیست با حوصله و دلسوزی و پشتکار و بدون حرص و عجله آنچه را حق تشخیص می‌دهید با دانشجویان در میان بگذارید تا آن‌هایی که به دنبال حق و حقیقت‌اند محروم نشوند و خدا هم شما را در زمره یاران دین خودش به حساب آورد. موفق باشید